سیاست و حقوق

جهاسازندگی؛ از جنبش تا نهاد . . ۴

اجرای عدالت وظیفه قاضی است . ۵

سیاست بین‌الملل

آتش در خرمن ۶

در جستجوی در سرباز آمریکایی . ۷

سیاست بین‌الملل

وامدار کمونیسم و محافظه‌کاری سنتی ۸

قتل عام خانواده مقام محلی افغانستان ۹

استان‌ها

همدان صاحب شهرک سینمایی می‌شود ۱۰

هویت و سیاست

پاسخی به سرمقاله ما کجا؟ چین کجا؟

علی‌اکبر رضایی

هنگامی که نگاهم به سرمقاله روزنامه شرق افتاد ارزیابی دوستی به خاطرم آمد که بعضاً نوشته‌های قابل تامل برادر عزیز محمد قوچانی را رشک‌آور اما اشک‌آور می‌نامید! رشک‌آور از جهت زیبایی نوشتار و اشک‌آور از جهت کم‌توجهی به حوزه‌های تخصصی مباحث. اگر آن روز چندان با این ارزیابی وی همراه نبودم امروز با خواندن مطلب ایشان در نحوه انتقاد به نزدیکی ایران و چین بلافاصله عبارت قصار آن دوست به ذهنم متبادر شد.

هر چند آقای قوچانی در نگارش این مطلب تبحر نویسندگی خود را به خوبی به نمایش گذارده، اما برای نگارش این مطلب به دستاوردهای علمی حوزه روابط بین‌الملل عنایت کافی نشان نداده و تحلیل تجویزی خود را بر دوش مفروضی بسیار شکننده استوار کرده است.

آنچه که نویسنده محترم سرمقاله مبنای استدلال خود در ناسازگار بودن نزدیکی ایران و چین آورده را می‌توان در ادبیات روابط بین‌الملل به تفاوت «هویتی» این دو کشور تعبیر کرد. به عبارتی آقای قوچانی تلاش کرده تا نشان دهد این دو کشور دارای هویت مشترکی نیستند که بر مبنای آن به یکدیگر نزدیک شوند. برای اثبات این ادعا نیز ادله بی‌شماری آورده شده که یکی پس از دیگری بر غنای استدلال مذکور می‌افزاید. هر چند این نحوه استدلال ماهیت مشترکی با مطالعات معاصر بین‌المللی دارد اما این مفروض قطعی و مورد تاکید عالمان این حوزه در آن به فراموشی سپرده شده که «هویت امری ذاتی نیست و چندلایه است». هر انسانی ممکن است با دیگری به هویت مشترک برسد. کافی است تا یکی از لایه‌های مشترک هویتی فعال شود. امروز فرضاً در آمریکا سفیدپوست‌ها می‌توانند در کنار سیاه‌پوست‌ها به هویتی مشترک، «آمریکایی بودن»، برسند اما فرضاً این اتفاق در زیمبابوه نمی‌افتد. بنابراین تفکیک قطعی ملت‌ها از منظر یک لایه هویتی، مفروضی قابل اتکا برای استدلال نیست. اگر این گونه بود نمی‌توانستیم استدلال مناسبی برای روابط استراتژیک ترکیه و اسرائیل بیابیم. از تبیین علل شکست پروژه وحدت اعراب نیز عاجز می‌ماندیم. از توضیح درباره موانع وحدت جهان اسلام باز می‌ماندیم. از درک علل چرخش در سیاست خارجی مصر و نزدیکی به غرب، از تفاوت در رویکرد استراتژیک اعراب به غرب – از عربستان تا سوریه – و بسیاری دیگر از پدیده‌های عرصه بین‌المللی محروم می‌ماندیم. ما به عنوان یک ملت امکان رسیدن به هویت مشترک با هر ملتی را دارا هستیم. اما در شرایط متفاوت تنها بخشی از لایه‌های هویتی ما فعال می‌شود. اسلامی، ایرانی، جهان سومی، در حال توسعه، غیرمتعهد، خاورمیانه‌ای، تجدیدنظرطلب، شیعه، انقلابی، اصلاح طلب، باستانی و غیره نمونه‌هایی از مصادیق لایه‌های متعدد هویتی ما هستند.

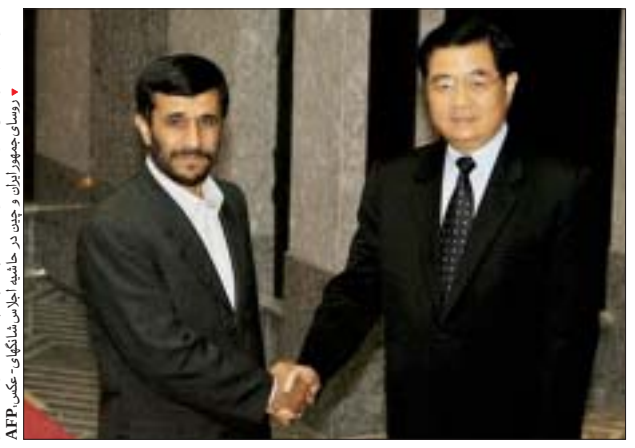

روسای جمهور ایران و چین در حاشیه اجلاس شانگهای- عکس: AFP

برجسته شدن یک یا چند مورد از این عوامل به شرایط ساختاری و انتزاعی بستگی دارد که موضوع مورد بررسی بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل است که عمده آنها به دو دسته قابل تفکیک‌اند: نظریه‌پردازان دسته اول، هویت ملت‌ها را متاثر از ساختار نظام بین‌المللی می‌دانند که محاط بر آنهاست. اگر فرضاً این ساختار همانند دوران جنگ سرد قائل به قطبی بودن باشد، کشورها یا می‌بایست متمایل به شرق باشند یا به غرب، این بدان معناست که به شرط متصلب بودن این نظام، ملتی نمی‌تواند هویت سومی برای خود تعریف و ارائه کند. دسته دوم از نظریه‌پردازان که نظریاتشان بیشتر مورد توجه واقع شده، معتقد به تعامل متقابل ساختار و بازیگر در تعریف هویت هستند. ساختار نظام بین‌الملل از این منظر امری انتزاعی و ساخته ذهن ملت‌هایی است که خود را ناگزیر از زندگی در هرج و مرج می‌دانند. لذا امکان تاثیرگذاری بر روی ساختار از جانب بازیگران وجود دارد. در چنین فضایی می‌توان شاهد آن بود که ملتی مانند ایران بتواند در پی انقلاب ادعای هویتی مستقل از هویت‌های متعارف را داشته باشد. البته باید این نکته را نیز یادآور شد که مهم‌ترین مسئله پس از طرح یک هویت، حفظ آن است و حفظ هویت ملت‌ها در عرصه بین‌المللی خود به عوامل متعددی از جمله استقبال دیگران و امکان یارگیری و در نهایت «کارایی آن» بستگی دارد. از این رو سئوال عده پیش روی ما در مورد رابطه با چین نه این است که آیا ما با چین دارای هویت مشترک هستیم یا خیر؟ بدیهی است که ما با چین نیز همانند بسیاری دیگر از ملت‌ها دارای وجوه مشترکی هستیم. سئوال اصلی اینجا است که آیا در شرایط کنونی چین آمادگی دارد تا از برجسته کردن هویت مشترک با ایران استقبال کند؟ اگر چنین شد آیا امکان تداوم آن نیز وجود دارد؟ و اگر تداوم یافت آیا منافع مورد نظر ما در آن تامین می‌شود؟

ادامه سرمقاله

اگرچه اعضای ان‌پی‌تی، از جمله ایران حق دارند از معاهده خارج شوند، اما برای کشوری مثل ایران خروج از ان‌پی‌تی با هزینه‌های بسیار سنگینی همراه خواهد بود. بنابراین حل مسئله کنونی نباید براساس از این ستون به آن ستون فرجی است، موقتی باشد. هزینه ادامه بحران یا تکرار آن معادل است با از دست دادن فرصت‌ها برای سر و سامان دادن به برنامه‌های توسعه و ادامه توسعه‌نیافتگی. حل بحران هسته‌ای و به دنبال آن بحران و تنش در روابط خارجی به صورت نهایی و همه‌جانبه و نه موقتی و مقطعی نکته‌ای است که باید در راس توجهات و اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان قرار بگیرد. نکته دیگر توجه به مشوق‌های پیشنهادی و ارائه پیشنهادهای تکمیلی است. در حالی که رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان از بسته پیشنهادها استقبال کرده و آن را گامی مثبت تلقی کرده‌اند و این به جای خود واکنشی دیپلماتیک محسوب می‌شود، اما توجه به چند نکته ضروری است. اول این که برخی از پیشنهادهای تشویقی ماهیت یا ارزش تاکتیکی دارند نه استراتژیک. از آن جمله است لغو تحریم فروش هواپیماهای مسافربری به ایران. اگرچه ناوگان هوایی ایران به علت تحریم‌ها دچار ضعف‌های جدی و هزینه‌ساز است و فروش هواپیما این مشکل را برطرف می‌سازد اما اولاً یک معامله پرسود تجارتی برای فروشندگان هواپیماها نیز است. ثانیاً هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران در آینده نه چندان دور با تحریم فروش قطعات یدکی هواپیماها روبه‌رو نشود. تعهد و تضمین فروشنده به تامین قطعات یدکی، در وضعیت روابط ایران با دنیای غرب کافی به نظر نمی‌رسد. برخی از پیشنهادهای تشویقی، نظیر پذیرش ایران به عضویت در سازمان تجارت جهانی، اگرچه علی‌الاصول مثبت هستند، اما در وضعیت کنونی اقتصاد ایران، به خصوص با توجه به نامه اخیر ۵۰ کارشناس برجسته اقتصادی ایران معلوم نیست پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی یک امتیاز است یا یک وام برای تعمیق و تشدید بحران اقتصادی و مزید بر نگرانی‌های برشمرده شده در نامه کارشناسان اقتصادی ایران. یکی دیگر از مشوق‌ها که توسط گروه ۱+۵ نیز پذیرفته شده است، پیشنهاد روسیه مبنی بر «غنی‌سازی مشترک با ایران در خاک روسیه» است. (وزیر امور خارجه روسیه، گزارش مهر، شرق ۸۵/۳/۲۷) فهم دلایل اصرار روسیه بر پذیرش این پیشنهاد چندان مشکل نیست. اما چرا باید ایران به‌رغم میلیاردها دلاری که در تاسیسات هسته‌ای خود سرمایه‌گذاری کرده است مجدداً در تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم در خاک روسیه سرمایه‌گذاری نماید؟ به خصوص که سابقه روسیه در همکاری با ایران چندان مطلوب نیست. روسیه تعهدات خود را در مورد نیروگاه هسته‌ای بوشهر به انجام نرسانیده است. ایران به جای این پیشنهاد باید بر طرح قبلی خود، مبنی بر مشارکت کشورها و شرکت‌های غربی در غنی‌سازی ایران اصرار بورزد. از جهات انتقادی، سیاسی و امنیت ملی این طرح هم برای ایران و هم طرف‌های احتمالی غربی مناسب‌تر است تا طرح روسیه.

یکی دیگر از مشوق‌ها تضمین امنیت ایران است. اگرچه دولت آمریکا رسماً در واکنش به آن، اعلام کرد که هیچ تضمینی را تعهد نمی‌کند، اما به فرض قبول چنین تعهدی ضمانت اجرا ندارد. اولاً امنیت ایران بیش از هر زمان از جانب آمریکا مورد تهدید قرار گرفته است. امنیت ایران از جانب هیچ کشور دیگری مورد تهدید نیست. ثانیاً، آمریکا عضو سازمان ملل متحد است و به موجب منشور سازمان ملل متحد حق دخالت در امور سایر کشورها از جمله ایران را ندارد. ثالثاً، در بند یک بیانیه الجزایر، که امضای آن منجر به آزادی گروگان‌های آمریکایی از ایران شد، دولت آمریکا رسماً تعهد کرده است که در امور داخلی ایران دخالت نکند. اما رئیس جمهور و کنگره و سنای آمریکا اهداف و برنامه‌های مداخله‌جویانه خود را در امور ایران آشکارا بیان کرده‌اند. اما تضمین امنیت ایران اولاً از جانب گروه ۱+۵ معنا و کاربردی گسترده دارد و تعهد دولت آمریکا به تنهایی نیست. ضمن آنکه اگر مذاکرات گروه ۱+۵ با ایران و همزمان مذاکرات دوجانبه ایران و آمریکا به کاهش تنش‌های موجود بینجامد، خطرات احتمالی کاهش پیدا خواهد کرد. ثانیاً، اگر ایران بتواند پیشنهادهای دوگانه زیر را و یا نظایر آنها را به گروه ۱+۵ بقبولاند، عوامل عملی موثر در تضمین امنیت ملی ایران به دست خواهد آمد.

۳ – به نظر می‌رسد ایران ضمن آنکه پیشنهادهای تشویقی را با دقت ارزیابی می‌کند باید دو پیشنهاد اساسی را، که واجد ویژگی‌های استراتژیک هستند، مطرح سازد: اول آنکه دولت آمریکا مخالفت خود با احداث خط لوله انتقال نفت و گاز طبیعی آسیای مرکزی به خلیج فارس از مسیر ایران را پس بگیرد. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده حاکی است که این مسیر کوتاه‌ترین و از نظر اقتصادی به صرفه‌ترین گزینه برای شرکت‌های نفتی سرمایه‌گذار است و برای ایران منبع درآمد ارزی خوبی محسوب می‌شود. احداث این خط هم برای ایران و هم برای کشورهای غربی نیازمند نفت و گاز است و هم برای کشورهای آسیای مرکزی و شرکت‌های سرمایه‌گذار فضایی را ایجاد می‌نماید که محور اصلی آن تضمین استمرار و ادامه جریان نفت و گاز و در نتیجه پرهیز از دامن زدن به اختلافات و توسل به بحران‌سازی و تشنج‌زایی در روابط است. دوم آنکه آمریکا همچنین باید از مخالفت با احداث خط لوله گاز و نفت ایران به شبه‌قاره هند – پاکستان دست بردارد. احداث این خط برای هر سه کشور ایران، هند و پاکستان منافع اقتصادی و سیاسی استراتژیک و درازمدت را در پی دارد. احداث این خط حفظ صلح در شبه‌قاره هند – پاکستان را بیش از پیش به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌سازد. اطلاق پروژه صلح به این خط واقع‌بینانه است. علاوه بر این نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. موقعیت جغرافیایی ایران بدان‌گونه است که ایران می‌تواند در فرآیند صلح میان هند و پاکستان نقش تاریخی ایفا نماید. پس از پیروزی انقلاب، تمایل متقابلی میان هند و پاکستان برای میانجیگری ایران به وجود آمد و ابراز شد. در ششمین نشست سران کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد که در سال ۱۳۵۸ در کوبا تشکیل شد و ایران برای اولین بار در آن حضور فعال پیدا کرد، در ملاقات‌ها و مذاکراتی که به عنوان معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه در این سفر با نمایندگان هند و پاکستان داشتیم، این تمایل و آمادگی هر دو طرف برای دخالت و میانجیگری ایران مطرح شد. اما عمر دولت موقت کوتاه بود و حوادث پس از آن، از جمله و به خصوص گروگانگیری، این فرصت را از ایران گرفت. اما اکنون شرایط به گونه دیگری است و اگر ایران بتواند مسئله انرژی هسته‌ای را پشت سر بگذارد و موانع و مخالفت‌های موجود بر سر راه احداث خط لوله هند و پاکستان را از میان بردارد، امکان برای ایفای نقش مفید و موثر در راه صلح پایدار در این منطقه به ابتکار ایران فراهم خواهد شد.

۴– یکی از نکات برجسته شرایط کنونی اتفاق‌نظر در جامعه جهانی در ضرورت مذاکره مستقیم میان ایران و آمریکا است. هم دولت ایران و هم دولت آمریکا، هر دو آمادگی خود را برای مذاکره رسمی اعلام کرده‌اند. در حل بحران میان دو کشور، این اولین گام ضروری است. تجارب تاریخی در قلمرو دیپلماسی حاکی از آن است که در حل مناقشات میان دو کشور سالم‌ترین و مطمئن‌ترین گزینه مذاکره مستقیم است. در مذاکرات غیرمستقیم، کشور ثالث براساس منافع خود میانجیگری را پیگیری می‌کند و چه‌بسا خود مانع تفاهم میان دو طرف بشود. ایران و آمریکا هر دو طی ۲۷ سال گذشته، فرصت‌های مناسبی را برای آغاز مذاکرات و کاهش تشنجات میان دو کشور از دست داده‌اند. آمریکا در جریان سقوط طالبان و تشکیل دولت جدید از همکاری گسترده ایران برخوردار بود. تماس‌ها و مذاکراتی هم وجود داشت، اما از همان حد جلوتر ادامه نیافت و فرصت از دست رفت. در جریان حادثه ۱۱ سپتامبر نیز دولت آمریکا فرصت‌سوزی کرد. و به جای برداشتن گامی مثبت در راستای کاهش تنش با قرار دادن نام ایران در محور شرارت، عملاً راه را مسدود کرد. در دولت‌های خاتمی و سفر ایشان به نیویورک حضور رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سازمان ملل به هنگام سخنرانی‌های خاتمی، فرصتی بود برای آغاز مذاکره. اما این فرصت‌ها از دست رفت. اکنون به نظر می‌رسد طرفین آمادگی برای مذاکره مستقیم را پیدا کرده‌اند. اما مذاکره دیپلماتیک برای حل تنش‌ها و رسیدن به توافق یک علم و یک هنر است و شرایطی دارد. که بحث آن از گنجایش این تحلیل بیرون است و نیاز به فرصت دیگری دارد.

گزارش خبری

ایران غنی‌سازی را متوقف نمی‌کند

روزنامه فایننشال‌تایمز به نقل از دو تن از شخصیت‌های نزدیک به دولت ایران ادعا می‌کند، تهران برای محدودکردن برنامه‌های هسته‌ای خود آمادگی دارد، اما فعالیت‌های غنی‌سازی را به عنوان پیش‌شرطی برای گفت‌وگو متوقف نمی‌کند. این روزنامه انگلیسی می‌افزاید: ایران طی دو هفته آینده در پاسخ به مجموعه مشوق‌های پیشنهادی پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان، پیشنهادی متقابل به آنها ارائه می‌کند. فایننشال‌تایمز به نقل از افرادی که نامی از آنها نمی‌برد، می‌نویسد: ایران پیشنهاد مذاکرات بدون پیش‌شرط را ارائه خواهد داد و امیدوار است روسیه و چین– دو عضو تاثیرگذار شورای امنیت– برای توقف فعالیت‌های غنی‌سازی تاکید نداشته باشند. این در حالی است که ۱+۵– شامل مسکو و پکن– در آخرین نشست مشترک خود، تعلیق این گونه فعالیت‌ها را به عنوان پیش‌شرط آغاز گفت‌وگوها تعیین کردند. اولین منبع گزارش فایننشال‌تایمز می‌گوید: ایران از نحوه واکنش روسیه و چین اطمینان ندارد، اما اعتقاد دارد آنها به سرعت این پیشنهاد را رد نمی‌کنند. از سوی دیگر این افراد بر این عقیده‌اند که ارتباط غیرمستقیم از کانال عربستان سعودی تا حدودی تنش‌ها را تعدیل کرده است. مقامات عربستان سعودی پس از ملاقات سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان با مقامات عالی‌رتبه ایرانی از تمایل تهران برای مذاکره سخن گفتند و کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا اظهارات مقامات ایرانی را مثبت توصیف کرد. فایننشال‌تایمز به نقل از این منابع ناشناس می‌نویسد: ایران به واسطه سیاست‌های داخلی خود نمی‌تواند فعالیت‌های غنی‌سازی را متوقف کند از سوی دیگر برای اقدام در این زمینه به اندازه کافی تحت فشار بین‌المللی قرار ندارد. آنها می‌گویند: تهران همچنان به تصمیم واشینگتن برای گفت‌وگوی مستقیم با ایران به دیده تردید می‌نگرد و این احتمال را بررسی می‌کند که پیشنهاد واشینگتن مانوری تاکتیکی برای ایجاد شکاف میان «تهران» و «مسکو و پکن» باشد. فایننشال‌تایمز می‌افزاید: در شرایط پیچیده‌ای به‌سر می‌بریم و مجموعه پیشنهادی ۱+۵ ضعیف است اما این احتمال وجود دارد راه‌حلی برای مشکل غنی‌سازی پیدا شود. این منابع ناشناس ادعا می‌کنند: اکثر مقامات دولت ایران به دنبال آغاز مذاکرات با مصالحه‌ای که امکان انجام برخی فعالیت‌های غنی‌سازی را در خاک ایران فراهم کند، موافقت خواهند کرد. آنها می‌گویند: مجموعه پیشنهادی غرب حق بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای را برای ایران به رسمیت می‌شناسد و گام بعدی برای غرب پذیرش غنی‌سازی است. این منابع خبری ادعا می‌کنند: ممکن است ایران محدودیت غنی‌سازی را تا حدود سه آبشار متشکل از ۱۶۴ سانتریفوژ و انجام غنی‌سازی با حجم وسیع‌تر در خاک روسیه بپذیرد. در عین حال ایران نیز بخشی از عملیات غنی‌سازی را در خاک خود دنبال می‌کند.

آگهی فراخوان عمومی مناقصه

شماره ۸۵/۱۰۲ (دو مرحله ای)

شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان

نوبت اول

این شرکت در نظر دارد نسبت به :

اجرای طرح توسعه شبکه کابل مرکز امام خمینی (ره) شهرستان خرمشهر همراه با متریال طرح

طبق شرایط و مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه با شرکت های حقوقی اقدام نماید، لذا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاع و دریافت مدارک ظرف مدت ده/۱۰ روز از تاریخ نشر آگهی پس از واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۹۱۱۸۴ بانک ملی شعبه مرکزی اهواز و ارسال کلیه مدارک سجلی شرکت به نشانی :

اهواز، کیانپارس، خیابان ۱۷ شرقی، مجتمع فنی و اداری، طبقه اول، مدیریت تدارکات و خدمات، واحد قراردادها، اتاق ۱۳۸ مراجعه و یا با شماره تلفن : ۳۳۳۷۶۶۶-۰۶۱۱ و یا نمابر : ۳۳۳۱۲۵۴-۰۶۱۱ تماس حاصل نمایند.

شرکت در رد یا قبول پیشنهادات واصله مختار است.

ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

ردیف	نوع کار	مقدار	ردیف	نوع کار	مقدار
۱	حفاری کابل کشی خاکی مسیر اول	۹۳۲۵۵ متر	۱۰	نصب سابداکت و طناب کشی	۷۳۰۰ متر
۲	کابل کشی خاکی مسیر دوم هم مسیری	۸۴۰۵ متر	۱۱	نصب لوله PE	۲۲۷۵ متر
۳	نصب لوله پست	۱۰۸۲ عدد	۱۲	هم مسیری	۶۷۵ متر
۴	مفصل بندی ترمینه پست	۱۹۷۶۰ زوج	۱۳	کانال سازی ۴×۱	۸۳۱ متر
۵	مفصل بندی آبونه	۱۰۲۱۸۰ زوج	۱۴	کانال سازی ۴×۲	۴۹۶ متر
۶	مفصل بندی مرکزی	۱۲۶۲۵۰ زوج	۱۵	کانال سازی ۳×۲	۴۰۳ متر
۷	مفصل بندی ترمینه کافو	۶۳۰۰۰ زوج	۱۶	نصب حوضچه تایپ ۲	۵ باب
۸	حفاری کابل کشی خاکی فیبر	۲۲۷۵ متر	۱۷	نصب کافو	۵ عدد
۹	کابل کشی کانالی فیبر	۷۳۰۰ متر			

مدت اجرای پروژه: کابل کشی خاکی مسی ۲۰۳ روز، مفصل بندی ۱۸۸ روز، کانال سازی ۱۲ روز، کابل کشی خاکی فیبر نوری ۶ روز، نصب سابداکت ۸ روز، کابل کشی کانالی ۸ روز

نشانی اینترنتی: WWW.ICT-KHZ.IR نشانی پست الکترونیکی: Dabir@ICT-KHZ.IR

تاریخ انتشار نوبت اول: ۸۵/۳/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۸۵/۴/۳

شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان

تورهای تابستانی

مکزیک، فرانسه، آلمان، اسپانیا (جزایر قناری)، پرتغال، اطریش، سوئد، دانمارک، ایتالیا، یونان
هلند، بلژیک، انگلستان، استرالیا، آفریقای جنوبی، روسیه، چین، کوبا، سنگاپور، مالزی، قبرس

سفری رویایی با کشتی مجلل STAR CRUISES

پیشتازان تور ایران : با درخواست تلفنی بروشور رایگان ارسال می شود

ققنوس (شعبه برج سایه) خیابان ولیعصر، روبروی پارک ملت، برج سایه، طبقه ۶، واحد ۶، تلفن: ۲۲۰۲۷۴۲۱

ققنوس (دفتر مرکزی) خیابان ایرانشهر شمالی، شماره ۱۴۶، تلفن: ۸۸۳۰۰۱۱۱

« اصلاحیه آگهی فراخوان عمومی مناقصه »

شماره ۸۵/۹۷ (دو مرحله ای)

شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان

بدین وسیله اصلاحیه متراژ کابل های هوایی ساده به شرح ذیل اعلام می‌گردد :

۱- کابل هوایی ساده ۶×۲ از ۱/۵۰۰/۰۰۰ متر به ۱/۱۰۰/۰۰۰ متر

۲- کابل هوایی ساده ۶×۴ از ۶۷۵/۰۰۰ متر به ۶۰۰/۰۰۰ متر

۳- کابل هوایی ساده ۶×۶ از ۷۰۰/۰۰۰ متر به ۶۰۰/۰۰۰ متر

۴- کابل هوایی ساده ۶×۸ از ۱۴۵/۰۰۰ متر به ۱۰۰/۰۰۰ متر

۵- کابل هوایی ساده ۶×۱۰ از ۳۰۰/۰۰۰ متر به ۱۲۰/۰۰۰ متر

نشانی اینترنتی: WWW.ICT-KHZ.IR نشانی پست الکترونیکی: Dabir@ICT-KHZ.IR

شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان